

دانشگاه فردوسی مشهد
موزه مطابقت تحصیلات
۹۲



بسمه تعالی

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق
موضوع:

زمینه‌های تربیتی در فقه اسلامی (بخش عبادات: طهارت، نماز، روزه و دعا)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید مهدی صانعی
دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری
دانشگاه فردوسی مشهد
نگارش:

محمد حسین امانپور

سال ۱۳۷۳

۲۲۸۸۹

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱.....	پیشگفتار.....
۵.....	نارسایی دانش در تربیت انسان.....
۱۳.....	تعلیم و تربیت و اخلاق.....
۱۳.....	تعلیم.....
۱۴.....	شناخت.....
۱۶.....	اهمیت شناخت در اسلام.....
۱۹.....	تربیت.....
۲۰.....	تزکیه.....
۲۱.....	تهذیب.....
۲۲.....	فرق تربیت و تزکیه و تهذیب.....
۲۳.....	تفاوت تربیت در انسان و حیوان و گیاه.....

۲۲۸۸۹
۲۲۸۸۹

موضوع	صفحه
تعلیم و تربیت در قرآن.....	۲۴
تعریف اخلاق.....	۲۶
اقسام اخلاق.....	۲۷
رابطهٔ تعلیم و تربیت و اخلاق.....	۲۹
روشهای تربیتی انسان.....	۳۰
تربیت فنی و حرفه‌ای.....	۳۰
تربیت اخلاقی.....	۳۱
اهمیت اخلاق.....	۳۲
عبادت و زمینه‌های تربیتی آن.....	۳۴
نیت.....	۳۵
خلوص و فواید حاصله از آن.....	۳۶
شکوفای شدن استعدادها.....	۳۷
کشف و شناخت (خود) واقعی.....	۴۱
استقلال یافتن.....	۴۳
شناخت مرکزیت جهان.....	۴۴
شناخت موقعیت خود در زمین.....	۴۶
شناخت آینده خود.....	۴۷
شناخت جهانی که در آن زندگی می‌کند.....	۴۸
جهت دادن به امیال فطری.....	۵۰
نماز.....	۵۱

موضوع	صفحه
طهارت ظاهر.....	۵۲
طهارت باطن.....	۵۵
طهارت شرعیه.....	۵۶
زمینه‌های تربیتی در وضو.....	۵۸
امنیت اجتماع.....	۵۸
بهداشت عمومی.....	۵۹
بهداشت دهان و دندان.....	۶۰
فواید معنوی وضو.....	۶۱
زمینه‌های تربیتی در غسل.....	۶۶
فایده بهداشتی در غسل جنابت.....	۶۷
زمینه‌های تربیتی در تیمم.....	۶۸
زمینه‌های بهداشتی در تیمم.....	۶۹
اصل عدم عسر و حرج.....	۷۱
زمینه‌های تربیتی در نماز.....	۷۱
عوامل تشویش و نگرانی و چاره آن به وسیله نماز.....	۷۲
مهمترین عامل تربیتی نماز (حضور قلب).....	۷۷
سایر عوامل در زمینه‌های تربیتی نماز.....	۸۰
نماز را در وقت مخصوص خواندن.....	۸۰
لباس نمازگزار.....	۸۳
مکان نمازگزار.....	۸۵

موضوع	صفحه
آداب مسجد رفتن و آثار تربیتی آن	۸۸
کیفیت باطنی (سر) نماز	۹۱
اذان	۹۱
قیام	۹۲
نیت	۹۳
تکبیرة الأحرام	۹۵
قرائت	۹۶
زمینه‌های تربیتی در سوره مبارکه حمد	۱۰۰
رکوع	۱۰۵
سجود	۱۰۶
تشهد	۱۰۶
سلام	۱۰۷
تفاوت زندگی انسان نمازگزار و تارک آن	۱۰۸
آثار مترتبه بر نماز	۱۱۱
نماز جماعت و آثار تربیتی آن	۱۱۴
آثار تربیتی نماز جمعه	۱۱۶
زمینه‌های تربیتی در نماز آیات	۱۲۵
زمینه‌های تربیتی در نماز عیدین	۱۲۹
نماز شب	۱۳۱
آثار تربیتی نماز شب در گفتار پیامبر اکرم ص و ائمه معصومین ع	۱۳۳

موضوع	صفحه
زمینه‌های تربیتی در نماز شب	۱۳۵
ماه مبارک رمضان، ماه تربیت و تکامل	۱۴۰
آثار تربیتی روزه	۱۴۳
خلوص نیت	۱۴۳
استقامت در برابر تمایلات نفسانی و تقویت اراده	۱۴۵
صفای روح	۱۴۶
ترک عادات ناپسند(فواید بهداشتی)	۱۵۳
ایجاد حسن تعاون	۱۶۸
تلاوت قرآن	۱۶۳
صدقه دادن	۱۶۷
صله رحم	۱۷۱
توبه	۱۷۵
آثار تربیتی توبه	۱۷۷
زمینه‌های تربیتی استغفار	۱۸۰
زمینه‌های تربیتی دعا	۱۸۲
دعا و آرامش روان	۱۸۸
مأخذ و مدارک رساله	۱۹۴
مقالات مورد استفاده	۱۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله، والسَّلَام على رسول الله(ص)، وعلى أئمة المعصومين سَيِّمَا حَجَّة
بن الحسن عَجَّلَ اللهُ تعالى فرجه الشريف.

خداوندا چگونه تو را سپاس گویم که نه توانی بر زبان دارم و نه واژه‌ای در یاد
که تو را بستایم و خود می‌دانم که موانعی در راه تحصیل بودند که هر کدام به
تنهایی می‌توانست عامل بازدارنده‌ای باشد.

ولی خدایا، من دعا کردم، تو اجابت نمودی تا موانع نتوانستند از ادامه تحصیل
بازدارند و این همه الطاف خفیه تو بود، نه لیاقت و شایستگی من.

خدایا، باز هم دعا می‌کنم که توفیق عطا‌نمایی که با قیامدهٔ عمر را در بندگی تو
به انجام رسانم و در اطاعت تو بسر برم.

خدایا چنان کن سرانجام کار توخشنود باشی و ما رستگار
توفنی مسلماً و الحقنی بالصالحین.

هدف از نگارش این رساله این است که خاطر نشان سازد، آنچه در جهان فعلی،
مایهٔ تیره بختی انسانها شده، بی توجهی به سازندگی اخلاقی و تربیتی است،
فقری که جوامع بدان گرفتارند، فقر اخلاقی است نه فقر علمی، به قول دکتر
الکسیس کارل: « تعلیماتی که در مدارس به شاگردان می‌دهند نتوانسته سطح فکر
و مبانی اخلاقی مردم را عوض نماید، فرض کنید پزشکی برای بیماری دارویی
تجویز می‌کند به امید بهبودی، ولی اطرافیان که می‌بینند حال مریض بهتر که
نشده، روز به روز بدتر می‌شود، می‌دانند که این دارو مناسب حال این

مریض نیست (۱)».

دکتر کارل منظورش این است که تعلیمات موجود، مناسب حال انسان نمی باشد و علتش عدم شناخت طرح دهندگان از انسان است، مانند خیاطی که برای شخصی که هرگز او را ندیده لباس دوخته باشد که بر اندامش ناموزون خواهد بود.

در جوامع غیر اسلامی، علت این امر روشن است که در آنجا از تعلیمات واقعی خبری نیست.

اما جوامع اسلامی هم که به همین درد مبتلایند، با اینکه از تعلیمات ارزنده اسلامی برخوردارند، در این جوامع علت این است که مسائل تربیتی و اخلاقی را جدی نگرفته اند، در این جوامع تعلیمات دینی و اخلاقی خوبی تدوین شده، مخصوصاً در مراکز تعلیم و تربیت، اما بیشتر به تعلیم پرداخته می شود، اساتید و معلمین دروس دینی و اخلاقی، زحمت هم می کشند، ولی دلخوشند به اینکه دانشجو، یا دانش آموز نمره ممتاز می گیرد، بدون توجه به اینکه در وضع روحی و اخلاقی شاگرد چه تاثیری گذاشته شده باشد.

در این رساله قسمتی از جنبه های تربیتی که در فقه اسلامی هست مورد بحث و بررسی قرار گرفته و پیداست که دستورهای اسلام دارای ویژگیهایی هستند که به خود اسلام اختصاص دارند و در سایر مرام و مسلک ها وجود ندارند.


جنبه های تربیتی که در فقه اسلامی لحاظ شده اند، دارای ابعاد گوناگون مادی و معنوی، دنیوی و اخروی است که بر پژوهندگان لازم است هر چه بیشتر درباره آن تحقیق نمایند، لذا اینجانب بر آن شدم که به اندازه توان علمی خود به مقتضای

زمینه های تربیتی در فقه اسلامی (۳)

حال در این زمینه مطالبی به رشته تحریر درآورم.

پس از انتخاب موضوع، (زمینه های تربیتی در فقه اسلامی) در برآورد زمانی،

متوجه شدم که برای بررسی تمام موضوع زمان کافی در اختیار ندارم، لذا آن را

محدود نمودم به بخش عبادات: طهارت، نماز، روزه و دعا ^{در این رساله فقهی} ~~بردارم سره~~ 

برای تهیه مطالب، به راهنمایی اساتید محترم راهنما و مشاور، کتبی را

شناسایی نمودم و با مراجعه به آن کتب راه شناسایی کتب دیگر هم فراهم گشت،

زیرا هر کتابی خود معرف کتابهایی می شد.

در بهمن ماه ۱۳۷۲ کار تهیه نت را آغاز نمودم و در خرداد ماه ۱۳۷۳ به تهیه

پیش نویس پرداختم و از آبان ماه ۱۳۷۳ اقدام به پاک نویسی نمودم، به علت ضایعه

چشمی که، پیش آمد کار کمی به کندی پیش می رفت و هر قسمت را که پاک نویسی

می کردم به نظر استاد راهنما می رساندم تا کار رساله پایان پذیرفت.

(چهارده ماه).

امیدوارم که با توجه به وضع موجود، توانسته باشم گام کوچکی در جهت

سازندگی اخلاق برداشته باشم، که در جوامع اسلامی، مخصوصاً در کشور

جمهوری اسلامی، به تعلیمات اخلاقی اهمیت بیشتری داده شود، و کسانی که

برای احیاء ارزشهای اخلاقی متعهدانه و دلسوزانه تلاش می کنند، رویه ای پیشه

نمایند که منجر به تهذیب اخلاق گردد نه صرفاً گرفتن نمره ممتاز و خوب و باید

توجه داشت، آنگاه در جهت اهداف بعثت انبیاء خواهیم بود که تعلیم و تربیت

مقدمه ای برای تهذیب اخلاق باشد، چه اینکه هدف انبیاء عظام (ع) فقط تعلیم و

تربیت نبوده است، و از آیه شریفه:

« هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب »

زمینه های تربیتی در فقه اسلامی (۴)

فهمیده می شود که انبیاء به تعلیم و تربیت می پرداختند، فهمیده نمی شود که برای تعلیم و تربیت مبعوث شده باشند، و گرنه گفته می شد (لِیَزَكِّيَهُمْ وَ لِيَعْلَمَهُمْ) همان گونه که فرمایش رسول گرامی هست (بِعَثِّ لَاتَمَّ مَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ).

پس هدف بعثت تتمیم و تکمیل اخلاق است، و شغل معلمی در صورتی شغل انبیاء است که در تهذیب اخلاق شاگردان همت گماشته و قدم برداشته شود.

در پایان: از تمامی اساتید فرزانه و دانشمند که در این دوره از تحصیل هم مانند گذشته از خرمن فیضشان توشه گرفتم، و از گلستان فضلشان به اندازه وسع بهره مند شدم صمیمانه تشکر می کنم و برای آنان از خداوند مَنّان توفیق و حسن عاقبت تمنّا می کنم.

مخصوصاً از استاد ارجمند جناب آقای دکتر سید مهدی صانعی، که در جمع آوری و تنظیم این رساله راهنمایم بودند و امید وارم که ایزد متعال معظّم له را در پرتو عنایات خود پیوسته موفق و مؤید بدارد.

محمد حسین امانپور

نارسایی دانش و تربیت انسان:

به گفته یکی از اندیشمندان فرزانه، اگر در چندین هزار سال پیش، غیبگویی وضع کنونی بشر را پیشگویی می کردیم انسانها به چه درجات و مراتبی از دانش نایل می شوند و از آن طریق چه سلطه ای بر طبیعت پیدا می کنند و چه بهره ها و مواهبی به دست می آورند، انسانهای آن زمان که با آن دشواریها بسر می بردند و برای تهیه خوراک، پوشاک، مسکن و سایر امکانات یک زندگی ساده، مرارتهایی را تحمل می کردند، از شنیدن آینده ای با این مزایا، بهشت موعود در نظرشان نمودار می گشت، و با خود می گفتند چه خوشبخت مردمی خواهند بود.

که هر چه بخواهند برایشان فراهم است، به سرعت از دورترین نقطه جهان آگاه می شوند، خبرها را به یکدیگر می رسانند، از اوضاع و احوال هم مطلع می گردند، در مواقع گرفتاری به زودی خود را به محل گرفتاری می رسانند، دست یکدیگر را می گیرند، و گرفتاران را از گرفتاری نجات می دهند، سراسر دنیا پر می شود از نیکی ها، دادگری ها، محبت و دوستی ها و اینست بهشت موعود. و بر این باور بودند که هرگاه فقر علمی از میان برداشته شود، همه طبقات مردم، خصوصاً فرمان روایان از نعمت دانش بهره مند گردند مدینه فاضله تشکیل می یابد، این سایه شوم جهل و بی سوادی است که زندگی انسان ها را تیره نموده، باید کوشید تا آن را برطرف نمود و علم و دانش را جایگزین ساخت تا ریشه تباهی ها، غارتگریها و نامردمی ها با دانش خشکانده شود، دیگر از خون ریزیها، حق کشی ها، چپاولگریها و استعمار و استثمارگریها خبری نباشد و برای آن روز، روز شماری می کردند، روزی که نور علم و دانش بر سراسر گیتی پرتو افکند، دانشمندان زمام امور و اداره جهان را به دست گیرند و با سرانگشتان لطیف علم،

زمینه های تربیتی در فقه اسلامی (۶)

گره کور زندگی را بکشایند، پهنه عالم را عدل و داد، انصاف، بشر دوستی و مروّت فراگیرد، ولی افسوس!

این آرزو به ثمر رسید، دانشمندان، نوابغ، نخبگان و فرزندگان پا به عرصه جهان نهادند، شگفتی ها آفریدند، به رموز و اسراری از جهان پی بردند، ولی رنجها و درد و غمهای انسان به پایان نرسید.

انسان از خود می پرسد: آن وعده ها چه شد، آن بشارتها کجا رفت؟

اکنون که دانش از ثری تا ثریا را زیر پا گذاشته، این طایر سعادت به همه جا پر کشیده، و این همای خوشبختی همه جا سر، پس چرا هنوز، ظلم فراوان است و ظالم در امان و مظلوم دادرسی ندارد؟!

حالا که زمامداران بی سواد تاتار و مغول بر دنیا حکومت نمی کنند و آتش هیروشیما به دست آنها برافروخته نمی شود، اگر سردار مغول از آتش زدن، غارت کردن و خون ریختن لذت می برد می گفتند بی سوادند . اما حالا چرا؟! برتراندراسل گفتار موسیلینی را چنین نقل می کند «... می دانید خیلی خوش آیند بود وقتی که توانستم سقف پوشالی کلبه ای از بومیان را که با انبوه درختان تنومند و بلند احاطه شده و به سهولت هدف گیری نمی شد هدف قرار دهم، ساکنین کلبه ها بعد از مشاهده عمل قهرمانانه من، مانند دیوانگان، فرار را بر قرار ترجیح دادند، پنج هزار حبشی در حالی که بوسیله دایره ای از آتش محاصره شده بودند و اجباراً به انتهای خط آتش رانده می شدند که جهنمی سوزان برپا شده بود»^(۱) این سخنان از یک خلبان تحصیل کرده است که عاشقانه از سوزاندن پنج هزار انسان سخن می گوید و لذت می برد.

زمینه های تربیتی در فقه اسلامی (۷)

ممکن است توهم شود که علم خاصیتی نداشته و توقع بیجایی بوده که از آن داشته‌اند، در صورتیکه یقیناً چنین نیست، و مسلماً دانشمندان و نادانان برابر نیستند، ولی علت گرفتاریهای بشر تنها بی‌سوادی نبوده است، و با اندک تأملی می‌توان فهمید که انسان در هر زمان و مکان که می‌زیسته، توانسته است به مقررات و قوانینی دست یابد که بدان وسیله روابط اجتماعی اقتصادی نسبتاً خوبی برقرار سازد، و با تجربه و مشاهده و محاسبه اوضاع محیطش، شرایط مناسبی ایجاد نماید، بر اساس آن شرایط، زندگی قابل تفسیر و توجیهی فراهم سازد، چه از طریق انبیاء و وحی الهی و چه توسط فرزندان و مصلحین بشری، در هر صورت، بدبختی‌هایی که بر زندگی انسانها سایه افکنده، تنها زاییده نادانی و نبودن فرهنگ و مقررات نبوده است، بلکه معمولاً دو گونه بیماری به سراغ انسان می‌آید و زندگیش را تباه می‌سازد: یکی بیماری جسمی و دیگری بیماری روانی.

در مورد نوع اول، انسان هم برای پیشگیری از آن چاره جویی کرده و هم برای مداوای آن، هر روز در این مورد، موفقیت‌های چشمگیری داشته است. اما برای بیماری نوع دوم، فقط به مداوا و معالجه بسنده کرده است، برای پیشگیری از آن قدمی برنداشته، بیماری‌های روانی که گریبان گیر انسانند بسیارند، آنکه از همه مهمتر است و امّ‌الأمراض است، بیماری (خودخواهی) است. این بیماری، نه درویش از آن در امان است و نه توانگر، و به علت ظرافتی که دارد، همانند تار عنکبوت بر تمام ابعاد شخصیت انسان تنیده شده، و شناختش هم بسی دشوار است.

برتراند راسل می‌گوید: «انسان در سیر تحول خود با سه دشمن روبرو است:

زمینه های تربیتی در فقه اسلامی (۸)

اول، جنگ با طبیعت، مانند سرما، گرما، گرسنگی و درماندگی که سالهاست از این جنگ فارغ، و بر آن پیروز شده است.

دوم، جنگ انسان با انسان، یعنی تمام نزاعهای فردی و دستجمعی و لشکر کشی های ملی و بین المللی که فعلاً انسان در زیر بار این قبیل جنگها بوده و سخت هم در تلاش برای از بین بردن آنهاست، و امید است روزی موفق شود که به برادر کشی های حیوانی خود خاتمه دهد.

اما جنگ سوم، با دشمنی است که از اولی و دومی قویتر و نزدیکتر به انسان است، و آن جنگ انسان با خود است»^(۱).

در روش های تربیتی اسلام، جنگ انسان با نفس خود، با اهمیت ترین جنگ ها دانسته شده، پس از پایان جنگی که سربازان اسلامی، پیروزمندانه برگشته بودند، و چشم داشت آفرینی از رسول گرامی اسلام داشتند، آن حضرت با شادی از آنها استقبال کرد و فرمود:

« خوشا به حال قومی که جهاد اصغر را بجا آوردند و اکنون بر آنان جهاد اکبر باقی مانده است.

پرسیدند، یا رسول الله، جهاد اکبر کدام است ؟

فرمود: جهاد با نفس^(۲).

و باید دانست که انسان یک شخصیت و خود واقعی دارد که باید به آن توجه داشت و آن را عزیز شمرد و یک شخصیت و خود کاذب که با آن باید به مبارزه برخاست، این رساله گنجایش توضیح بیشتر در این مورد ندارد، و آنچه لازم است گفته شود اینست که، ریشه تعلق و وابستگی به خود غیر واقعی، غفلت و دور

ماندن از خود واقعی است.

برای شناخت خود واقعی باید خدا را شناخت، زیرا اگر خدا فراموش شود، خود هم فراموش می شود. «و لا تكونوا كالَّذین نسوا لله فانسیهم اولئک هم الفاسقون»^(۱)

همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار نمود و اینها افرادی فاسقند و اسلام هم در روش تربیتی خود از همین نقطه شروع می کند و می گوید اصولی که باید رعایت شود عبارتند از:

۱- شناخت خدا، و اینکه جز او، حاکمی دیگر بر جهان وجود ندارد، آغاز هر کار اوست و پایان هر کار هم هموست و «ما یفتح الله للنّاس من رحمة فلا ممسک لها و ما یمسک فلا مرسل له»^(۲)

هرگاه خداوند برای مردم دری از رحمت بگشاید باز دارنده ای نخواهد بود، و هرگاه او باز دارد رها کننده ای نخواهد بود.

۲- توجه به دادگاه عدل الهی که در آن دادگاه «فمن یعمل مثقال ذرّة خیراً یره و من یعمل مثقال ذرّة شرّاً یره»^(۳)

پس هرکس به اندازه سنگینی ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند، و هر کس به اندازه سنگینی ذره ای کار بد انجام دهد آن را می بیند.

و زیر بنای یک تربیت صحیح همین دو اصلند که در سر لوحه برنامه های تربیتی همه انبیاء الهی (ع) بوده و آثار تربیتی آنها در اصلاح فرد و اجتماع، مشهود می باشد، و غفلت از این دو اصل، موجب سقوط در ورطه هلاکت است که در آن صورت نه تنها علم در تهذیب و تربیت او نقشی نخواهد داشت، بلکه هیچ

۲- سوره مبارکه فاطر آیه ۲.

۱- سوره مبارکه حشر آیه ۶
۳- سوره مبارکه زلزله آیات ۷-۶